

## گرامی باد سالروز حماسه سیاهکل

سیاهکل به دوره ای از تاریخ ایران تعلق دارد که حاکمیت خفقان و سرکوب در تار پود جامعه ریشه دوانده است. دوره ای که پراکندگی و تشتت در صفوف جنبش چپ و توده ای بیداد میکند. سیاهکل در آن فضای یاس و ناامیدی، همچون ستاره درخشانی از امید به رهایی و تلاش انسانها برای اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت خویش در فضای ایران خودنمایی کرد و همانند قطب نمای سیاسی برآیند های رادیکال توده ای و سرنوشتی شاه را نوید داد.

خط و مشی سیاهکل اگر چه قابل کپی برداری و تقلید نیست اما همواره درسهای ارزنده ای برای آموختن دارد. خصلتهای انقلابی سیاهکل تنها در انطباق حرف با عمل، نوجویی و صداقت انقلابی، تلاش در جهت درک از شرایط مشخص جامعه و توجه به برتری قدرت توده ها خلاصه نمیشد، بلکه رفقای ما برای ارائه پاسخ اثباتی نسبت به فضای یاس و سرخوردگی، تقابل با سیاست انفعال و سازش، آویزان نشدن به گذشته و عنوانها، از جان گذشتگی و صداقت تا پای جان نسبت به تغییر و تاثیر در محیط خویش و تلاش برای ساختن آینده و صمیمیت نسبت به راه و آرمانشان را وثیقه راه کرده بودند. به یمن همین خصائل انقلابی بود که آنان بدون برخورداری از کمترین امکانات رسانه ای و تبلیغاتی توانستند پیام خویش را در همان گامهای اول با استفاده از تاکتیک های مسلحانه به کارگران و زحمتکشان برسانند و با استقبال میلیونی مردم مواجه شوند.

امروز هم که در آستانه چهل و دومین سالروز رستاخیز سیاهکل قرار داریم مساله تشتت و پراکندگی در صفوف کمونیستها و نیروهای منتسب به طبقه کارگریک امر مسلم و غیر قابل کتمان است. امروز هم دفاع از آرمانهای کمونیستی و سوسیالیسم به دستور روز جنبش کمونیستی-کارگری ایران مبدل شده است و بدلیل پراکندگی و تشتت در صفوف نیروهای منتسب به جنبش کمونیستی-کارگری مبارزه متشکل و اقدام موثر در سطح بسیار محدودی صورت میگیرد. امروز هم پاره ای از نیروها تحت عنوان چپ به گدایی در آستان بورژوازی افتاده اند و دست از آرمانهایشان شسته و بقول خود رئالیست شده اند. سیاست برایشان به معنی واقعی کلمه یک شغل است که باید پر آب و نان باشد. بهمین دلیل سیاست نان به نرخ روز خوردن را جایگزین سیاست انقلابی کرده اند. با استراتژی سرمایه جهانی خود را تطبیق داده و برای بازی در بساط سرمایه جهانی و بدست آوردن سهمی در قدرت سیاسی آینده هنر موج سواری را تمرین میکنند، غافل از اینکه این موجهها هستند که سمت و سوی حرکت اینها را مشخص میکنند نه بالعکس. اگر برای رفرمیستها و سازشکاران "سیاست رئالیستی" معنی همراهی با سرمایه جهانی و خوش رقصی در بساط سرمایه داران معنی میدهد، که برای شرکت در سمینارها و نشستهای سیاسی ساخته و پرداخته امپریالیستها در لندن، واشینگتن، استکهلم، پراگ، بروکسل سرو دست میشوند. برای نیروهای چپ و کمونیست پاسخگویی به الزامات انقلاب در ایران نیاز امروز جنبش است. متمرکز شدن حول مساله قدرت سیاسی، ارائه راه حل غیر سرمایه دارانه و مبارزه برای ایجاد دولت کارگری شورایی و یا از نوع کمون آن وظیفه اصلی امروزه جنبش ماست.

رفرمیستها و سازشکاران به غلط تصور میکنند امروز که توده کارگر و زحمتکش در زیر سرنیزه حامیان اسلامی سرمایه در ایران قادر نیست مطالبات سیاسی و استراتژیک خود را بطور شفاف و روشن فریاد بزند. این بدین معنی است که مطالبه کسب قدرت سیاسی و اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را نمیخواهد یا به فردای روز محشر واگذار کرده است. اما برغم

این توهمات فرمیستی سطح کنونی مبارزه کارگران نشان از کیفیت نوینی دارد که متأثر از خودآگاهی بیشتر است و این امر امیدبخش است. توده کارگر و زحمتکش که قیام بهمن ۱۳۵۷ را تجربه کرد، به عینه دریافت که کسب هر گونه حقوق دموکراتیک از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات، حق تشکل، مساله حجاب و..... به این بستگی دارد که در مبارزه طبقاتی قدرت سیاسی در دست چه طبقه ای قرار گیرد و طرح درخواستهای روزمره با استراتژی نهایی ارتباط ناگسستنی دارد. از همین رو لازم است نیروهای چپ و کمونیست صفوف خود را متشکل کرده و با درخواستهای ویژه طبقاتی کارگران به میدان آمده و تلاش و کوشش خود را در راستای تدارک بدیل سوسیالیستی در ایران یکپارچه کنند.

آری در چنین شرایطی است که رستاخیز سیاهکل گرامی داشته میشود، شرایطی که بحران حاد اقتصادی- سیاسی نظام سرمایه داری در ایران را فراگرفته و به بحران اجتماعی در سطح جامعه دامن زده است. توده کارگر و زحمتکش برغم تحمل رنج و مشقت اقتصادی و خفقان سیاسی در مبارزه نابرابر و سختی قرار دارد. این وضعیت منجر به حاد شدن فضای سیاسی شده و جامعه را در آستانه یک انفجار سیاسی - اجتماعی قرار داده است. از اینرو شرایط برای شکل گیری خیزشهای اعتراضی مهیا است. در این شرایط قبل از هر زمان دیگر حضور متشکل نیروهای چپ و کمونیست در کنار طبقه کارگر و داشتن درک روشن از الزامات انقلاب در ایران کارساز است. فعالین کمونیست بعنوان بخشی جدایی ناپذیر از جنبش طبقه کارگر بایستی همه تلاش و کوشش خود را در جهت انطباق هر چه بیشتر با ملزومات مبارزه طبقاتی کارگران بکار گرفته و با پرهیز از هرگونه فرقه گرایی و سکتاریسم و بازی در بساط دیگران، حرف خود را شفاف و روشن اعلام دارند.

امروزه تاکید بر اتحاد نظری - عملی کمونیست ها حول سوسیالیسم و دولت کارگری - شورایی و دفاع روشن و شفاف از سوسیالیسم و طبقه کارگر جوهر سیاهکل روزگار ماست. اگر این نکات با درسهای خیزش سیاهکل یعنی تطابق حرف با عمل، حرکت اثباتی، مقابله با انفعال و سازشکاری، نوجویی انقلابی و تحلیل از شرایط مشخص روزگار خویش در هم آمیخته شود، به واقع جوهر سیاهکل زمانه ما خواهد بود.

ما ضمن شاد باش روز سیاهکل به دوستان انقلابی آن، یاد آن عزیزان را یکبار دیگر گرامی میداریم.

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری شورایی

هفتم فوریه ۲۰۱۳ برابر با ۱۹ بهمن ۱۳۹۱

هسته اقلیت